

پیام تشکر مسئولین ، بنیان گذاران و اعضای محترم تشکل حقوق بشری شهر بوخوم فعالین و حامیان حقوق انسانها

با درود بر شما

من شاهرخ زمانی از زندان گوهردشت کرج به شما درود می فرستم. در زندانهای ایران هزاران نفر بیگناه گرفتار اتهامات دروغین و پرونده سازی دستگاههای قضایی و پلیسی شده و تحت شکنجه و ضرب و شتم مجبور به پذیرفتن اتهامات شده اند، در این رابطه می توان از افراد بسیاری که متعلق به جنبش های مختلفی مانند کارگری ، زنان ، معلمان، دانشجویی ، فعالین مدنی و حقوق شهروندی ، فعالین حقوق بشر و فعالین ملیتهای مختلف هستند را نام برد. من با محدودیتی که اینجا دارم فقط برخی از آنها را می توانم به عنوان نمونه نام ببرم از جمله آنها عبارتند از : رضا شهابی ، بهنام ابراهیم زاده ، پدram نصرالهی ، محمد جراحی ، مهدی شانديز ، رضا شريفی بوکانی، علی جباری ، علیرضا فراهانی، بهاره هدایت ، شیوا نظر آهاری ، ژيلا بنی یعقوب،مجید توکلی، شبنم مددزاده ، رسول بدافی ، عبدالرضا قنبری، هاشم شعبانزاده ، نسرین ستوده ، جاوید هوتن کیان، محمد سیف زاده ، عبدالفتاح سلطانی و هزاران نفر دیگر. من به پرونده هیچ یک از این دوستان دسترسی نداشته ام اما با توجه به پرونده خودم فکر می کنم که تمامی آنها بی گناه هستند به عنوان نمونه در پرونده من هیچ مدرک و دلیل و حتی یک برگ بازجویی اعتراف شده وجود ندارد که قاضی قانوناً بتواند با استناد به آن مرا محاکمه و محکوم نماید اما در ایران قضاات ، مأموران و نهادها در کل نظام تابع هیچ قانونی نیستند و هر کسی را بدون دلیل و مدرک دستگیر و شکنجه و محاکمه می کنند، بر این مینا فکر می کنم تمامی زندانیان سیاسی صد در صد بی گناه هستند . با توجه به اینکه تمامی شما عزیزان عزم راسخ برای کسب آزادی ، دموکراسی و حقوق انسانی دارید و در این راه از هر آنچه برایتان عزیز است مایه می گذارید لازم می دانم بگویم :

زندگی انسانها از همه ی زوایا مانند آزادی ، دموکراسی ، حقوق بشر ، عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی، تحصیل ، بهداشت و درمان چنان در هم تنیده شده اند که امکان ندارد یکی را بدون دیگری به دست آورد. توجه داشته باشید میلیونها کودک ایرانی که امروز در میدانها و چهارراهها دست فروشی و تکدی گری می کنند، در خیابانها آواره هستند و یا در کارگاههای مختلف در سنین کودکی به جای بازی و درس خواندن کار می کنند یا زنانی که برای کسب اندکی پول برای امرار معاش خانواده، مجبور به تن فروشی می شوند یا پدران و برادرانی که به دلیل بیکاری یا کمی در آمد مجبور به سرقت یا جرایم دیگر می گردند، بخش بزرگی از نیرویی هستند که کسب دموکراسی ، آزادی و حقوق بشر و دیگر مطالبات بدون حضور آنها ممکن نیست، شرایط زندگی آنها حکم می کند که دست یابی به آزادی و دموکراسی و حقوق بشر ، تحصیل ، بهداشت و... در قدم اول فقط و فقط از مسیر عدالت اقتصادی ممکن خواهد شد.

بارها تاریخ ثابت کرده است هیچ انقلابی یا قیام و جنبشی به نتیجه نمی رسد مگر اینکه طبقه کارگر در آن حضور داشته باشد و اکنون در ایران طبقه ۵۰ میلیونی کارگران و زحمتکشان به خاطر فشارهای اقتصادی ، عدم امنیت شغلی ، ترس از اخراج و بیکاری ، عدم توانایی تحصیل و بهداشت چنان در فشار قرار دارد که امکان متشکل شدن را بسیار سخت و تقریباً غیر ممکن کرده است . می دانیم تا زمانی که طبقه کارگر برای تحصیل چنین مطالباتی متشکل و مهیا نشود این خواسته ها برای هیچ کدام از طبقات کسب نخواهند شد حاصل این گفته این است که حتی کسانی که تمایل و علاقه ای به طبقه کارگر ندارند اگر قصد کسب آزادی و دموکراسی و حقوق بشر را دارند به اجبار باید به طبقه کارگر پیوسته و در جهت متشکل شدن کارگران گام بردارند .

بهنام ابراهیم زاده را زندانی کردند چون در جهت کمک و حمایت از کودکان کار و خیابان فعالیت می کرد ، رضا شهابی و محمد جراحی و... و مرا که یک نقاش ساختمانی هستم زندانی کردند چون برای متشکل شدن طبقه کارگر در جهت کسب عدالت اقتصادی و اجتماعی، آزادی ، دموکراسی و حقوق بشر تلاش می کردیم ، قنبری و بداعی و معلمان دیگر را زندانی کردند چون از حقوق انسانی و صنفی معلمان دفاع می کردند . صدها دانشجو و زنان را زندانی کردند چون از حقوق

بشر و حقوق زنان و انسان ها حمایت و دفاع می کردند . ستار بهشتی ، جمیل سوئدی و هزاران انسان را زیر شکنجه کشتند چون برای آزادی و انسانی زیستن تلاش می کردند هزاران آذری ، کرد ، عرب ، بلوچ و... را زندانی کردند زیرا از حق و حقوق انسانی و ملیت خود دفاع می کردند دهها فعال از اقلیتهای مذهبی را زندانی کردند برای اینکه از حقوق برابر و حق آزادی خود دفاع می کردند، نسرین ستوده و جاوید هوتن کیان را به دلیل اینکه از حقوق پایمال شده ی زندانیان محکوم شده دفاع می کردند زندانی نمودند همه ی آنچه گفته شد و آنچه فرصت گفتنش نبود نشان می دهند برای تمامی فعالین مطالبات فوق نقطه ی مشترک هستند و در این نقطه مشترک نیاز به آگاهی های بالای سیاسی _ طبقاتی است تا به دنبال آن امکان متشکل شدن و مبارزه مشترک به دست آید .

دمکراسی، آزادی و حقوق بشر از مطالبات مشترک طبقات مختلف هستند که طبقه کارگر علی رغم تبلیغات سوپی که بر علیه اش شده است بیشتر از همه ی طبقات برای مطالبات فوق مبارزه کرده و هزینه داده است و هرگز در هیچ جایی از دنیا حتی ذره ی دمکراسی ، آزادی و حقوق بشر کسب نشده ، مگر طبقه کارگر قدرت مندی حضور داشته است بررسی تاریخ اروپا و امریکا و دیگر کشور ها ثابت می کند آنچه امروز در این کشور ها به عنوان دمکراسی ، آزادی و حقوق بشر دیده می شود حاصل و ارثیه دوره مبارزات مشترکی است که طبقه کارگر در آن حضور قدرتمندی داشت .

اگر بخواهیم در ایران و کشور های مانند آن دمکراسی، آزادی و حقوق بشر را بدست آوریم باید به برداشتن موانع سر راه متشکل شدن کارگران اقدام کنیم.مثلا" در ایران حدود ۲۵ سال است هر روز قوانینی که اندکی به سود کارگر بوده حذف و هر روز قوانین ضد کارگری را بیشتر می کنند در همین حال از کارگران می خواهند در مقابل بخشی از نظام به بخش دیگری کمک کنند یعنی کارگران به دشمنی با خودشان اقدام نمایند.

از نظر ما کارگران، مخالفت عملی با قوانین ضد کارگری بخشی از مبارزه برای کسب دمکراسی ، آزادی و حقوق بشر است ما می خواهیم شما و تمامی آنهایی که خواهان مطالبات فوق هستند را در این مبارزه عملن در کنار خود ببینیم. با توجه به موانع مانند اخراج ها و بیکاری گسترده ، دشمنی با متشکل شدن ، دستمزد های چهار برابر زیر خط فقر ، سرکوب های شدید ، تحمیل قوانین ضد کارگری و... طبقه کارگر نمی تواند سازمانهای توده ای و سازمان سیاسی خود را تشکیل بدهد و اگر متشکل نشود نمی تواند استقلال طبقاتی داشته باشد و اگر استقلال طبقاتی نداشته باشد کسب دمکراسی ، آزادی و حقوق بشر برای هیچ کس ممکن نخواهد شد.

من اگر این گفته ها را باشما در میان می گذارم به این دلیل است که فکر می کنم شما با افرادی که از دمکراسی ، آزادی و حقوق بشر به عنوان تزیین سخن می گویند یا افرادی که با بهانه کسب و اهدای دمکراسی ، آزادی و حقوق بشر دست به غارت ، قتل عام و ویران کردن دارایی ها وزیر ساخت های زندگی ملت های دیگر می زنند یا با کسانی که از طریق کودتا های نوین بین المللی که طی دو دهه اخیر رواج پیدا کرده اند و می خواهند با بمب و موشک دمکراسی ، آزادی و حقوق بشر خلق نمایند، فرق دارید. فکر می کنم شما می خواهید در راه دمکراسی گسترده، آزادی برای همه و حقوق بشر برای کل بشریت مبارزه کنید. امید وارم در شناخت خود اشتباه نکرده باشم.

باز لازم به بیان است که اگر طبقه کارگر متشکل در سازمانهای توده ای و سازمان سیاسی خود وارد مبارزه برای کسب دمکراسی، آزادی و حقوق بشر نشود دست یافتن به مطالبات فوق برای هیچ کس ممکن نخواهد شد. در نهایت از اینکه به نوشته من توجه کردید متشکرم و از اینکه می خواهید در راه کسب دمکراسی ، آزادی و حقوق بشر قدمهای استواری بردارید با قلبی آکنده از مهر دستتان را می فشارم و از اینکه برای آزادی زندانیان تلاش می کنید از طرف خودم و دوستانم که در این زندانها محبوس هستیم از شما عزیزان صمیمانه تشکر و قدر دانی می کنم . و از اینکه جایزه ای برای من در مقابل فعالیتیم در نظر گرفتید سپاس گزارم.

شاهرخ زمانی، از زندان گوهر دشت ۱۳۹۱/۹/۱۶